

بررسی وضعیت سیاسی اشکانیان در شمال غرب ایران با رجوع به استان مرو

فرهنگ خادمی ندوشن

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

پیشینه تاریخی

مرو که در ترکمنستان کنونی واقع گردیده در آبادی کوچکی واقع در صحرای کراکوم در کنار رودخانه مرغاب قرار گرفته است. این رودخانه با طول ۸۵۳ کیلومتر از شمال‌شرقی افغانستان سرچشمه گرفته و در صحرای کراکوم در شمال‌شرقی ترکمنستان فرو می‌ریزد. از هزاره سوم قبل از میلاد که شهرنشینی به طرف دشت‌های آسیای مرکزی تغییر جهت داد، اهالی روستاهای واقع در این دشت که در هزاره سوم قبل از میلاد (عصر برنز) ساکن مناطق کوهستانی بودند با مهاجرت به کناره رودخانه مرغاب^۱ باعث شدند مرو یکی از هسته‌های مراکز فرهنگی پیش از تاریخ گردد.

حفریات چند دهه اخیر نشان داده که مرو یکی از مراکز مهم فرهنگی غیر الهی ایرانی است که بعدها مذهب زرتشتی در میان مذاهب دیگر با فرهنگ مرو درآمیخت. این کشفیات مؤید آن است که منابع نوشتاری اوستا و ودا در رابطه با فرهنگ ذکر شده و استفاده از هوم و یا سوم^۲ که در مراسم مذهبی هندو آریائی استفاده می‌شده در معابد مارگیانا یافت شده و نشانگر تمرکز فرهنگ ودایی و اوستایی مرکز فرهنگی مرو بوده است.



به‌نظر می‌رسد شهر مرو را کورش بنا نهاد و در آنجا در اثر حملاتی که علیه ماساگات‌ها کرد، به قتل رسید. داریوش در کتیبه سه زبانه بیستون خود به حمله‌هایی اشاره دارد که برای پایان دادن به شورش در استان مارگیانا و یا مرو بوده است. علی‌رغم منابع موجود نوشتاری نمی‌توان به‌طور اطمینان ذکر کرد که اسکندر^۳ از مرو دیدن کرده و یا شهری را در آنجا بازسازی و یا بنیان گذاشته است.

به‌نظر می‌رسد که مرو بخش انتهائی شمال‌شرقی قلمرو اشکانیان بوده و در زمان سلوکیه و بعدها نقش مهمی نه تنها به‌عنوان پایگاه نظامی برای ایرانیان داشته بلکه دارای اهمیت خاصی در تبادلات اقتصادی ایران و آسیای مرکزی و چین نیز بوده است. در این شهر به همراه تعداد زیادی سفال و اشیای شیشه‌ای تعداد زیادی سکه هم یافت شد که در منطقه مورد بحث ضرب گردیده است.

مرو محل برخورد دو راه تجاری مرکنده (سمرقند) و باختر بوده است و سیستم مالی این منطقه را شاهان باختر بنا نهاده‌اند. در زمانی که آن شهر توسط سکاها تسخیر گردید به این دلیل که آنان از سیستم پولی مخصوصی برخوردار نبودند سکه‌های تقلیدی آنان علی‌الخصوص شاهانی مانند هلیواکول، آنتی ماک و اکریتید تقلید و به تعداد زیاد ضرب و در مسیر داد و ستد قرار می‌دادند.

مرو در زمان سلوکیه

آنتی اخوس اول، مارگیانا را که مرکز شهری آن مرو بود، (آنتی اخویا مارگیانا)^۴ بعد از بازسازی^۵ به‌عنوان پایتخت خود برگزید، این شهر در قلمرو شرقی سلوکیه بر روی رودخانه مرغاب قرار داشت. در زمان او بر وسعت شهر افزوده شد. از این استان به‌عنوان استان مستقل، جدا از باختر، در منابع تاریخی ذکر شده که دارای ضرابخانه‌ای بوده است. در اواسط قرن سوم قبل از میلاد ضرابخانه‌های آن به ضرب سکه‌های شاهان باختر می‌پرداخته‌اند. این استان به‌عنوان پایگاهی در مقابل حملات اقوام وحشی که از طرف شمال شرق به کمک شاهان ایرانی می‌آمدند عمل می‌کرد و می‌توانستند از آنجا به قلمرو سلوکیان حمله‌ور شوند.



آنتی اخوس اول، که از آنجا به عنوان پایتخت خود استفاده می‌کرد تا بتواند از حملات قبایل ایرانی جلوگیری نماید، بعد از مرگ پدرش سلوکوس به آسیای صغیر رفت تا در مقابل حملات قبایل وحشی گل به آسیای صغیر، به مبارزه بپردازد. با کشته شدن او، مرو در زمان آنتی اخوس دوم به صورت نیمه مستقل جزو بخشی از حکومت سلوکیه بود و تا تسخیر آن توسط دیودوت اول، همچنان نیمه مستقل باقی ماند.

مرو در زمان باختریان

دایودوت اول^۶ که به نظر می‌رسد از خانواده ایرانی- یونانی است که در زمان هخامنشیان در این منطقه ساکن بوده‌اند، بنیان‌گذار حکومت باختریان است. وی قبل از آنکه به طور رسمی در ۲۵۷ ق.م استقلال خود را اعلام کند به صورت نیمه مستقل، حکومت خود را با پشتیبانی از یونانیان و ایرانیان این منطقه بنیان نهاد. قلمرو او در غرب باختر، سغد و هیرکانیا بود که مرو مرز بین او و اشکانیان و بلخ مرکز شهری بخش شرقی حکومت او را تشکیل می‌داد. مرکنده (سمرقند) که بر روی رودخانه زرفشان قرار داشت و شهر سغد که در بخش شمالی آن قرار داشت از مراکز اصلی این فرهنگ بود. قلعه سایوپولیس^۷ بر روی رودخانه سیحون به عنوان قلعه دفاعی برای محافظت از حمله‌های سکاها ساخته شده بود. پسر دایودوت اول با همین نام در ۲۴۸ ق.م جانشین پدر شد. در ۲۳۰ ق.م او و دیگر اعضای خانواده‌اش توسط اوتیدم اول به قتل رسید.

مرز بین پارت و باختریان مرز آبی مرغاب و یا رودخانه مرغاب بود. از هریرود و یا رودخانه آریا و یا آریوس بود که پولیبیوس در زمان حمله آنتی اخوس به باختر ذکر نموده است و محلی بود که اوتیدوم اول منتظر حمله آنتی اخوس به پایتختش بوده است. به نظر می‌رسد که او در ابتدا، استاندار بوده و زیر نظر دایودوت به فعالیت پرداخته است. پس از تسخیر تخت پادشاهی سعی به گسترش قلمرو خود نمود، ولی به موفقیتی نایل نگردید. او در پی شکستی که از آنتی اخوس سوم^۸ خورد، مجبور به عقب‌نشینی تا بلخ شد. با آنکه اوتیدم یک مگنسیائی بود نه از خانواده شورشی دایودوتس، تیلس^۹ یک افسر سلوکی که از ساکنین مگنسیا بود وی را وادار کرد



با پذیرش پادشاهی سلوکیه به حکومت خود در باختر ادامه دهد. به نظر می‌رسد اوتیدم اول در مرو به ضرب سکه اقدام ننموده است و آنتی اخوس سوم آنجا را در تسخیر خود داشته است. دمتریوس (۱۹۰-۱۷۱ ق.م) در مرو به ضرب سکه پرداخت و احتمالاً برای جلوگیری از حملات قبایل همسایه و یا اشکانیان بوده که اقدام به تسخیر مجدد این استان نموده است. او که فرزند و جانشین اوتیدم اول بود بعد از آنکه آنتی اخوس به طرف غرب عقب‌نشینی کرد آنجا را دوباره تسخیر کرد.

اوتیدم دوم (۱۹۰-۱۷۱ ق.م) احتمالاً به همراه دمتریوس اول در مرو به ضرب سکه پرداخته است. بعد از آنتی ماک، اگاتوکول و پتالیون بر این استان حکمرانی نمودند. در زمان اوکراتید تغییراتی در زمان حمله قبایل مهاجر به این شهر ایجاد نشده است، شاید استان‌های تیروا^{۱۰} و آسپانوس^{۱۱} را اشکانیان از باختریان در این استان دریافت کرده‌اند. بعد از مرگ اوکراتید، در سال‌های ۱۳۰ تا ۸۰ قبل از میلاد سکاها جانشینان او در مرو گردیدند. به نظر می‌رسد که تا زمان مهرداد اول مرو در تسخیر باختریان و سپس سکاها بوده و اشکانیان در شمال شرق ایران از قدرت چندانی برخوردار نبودند.

اشکانیان و مرو

حکومت اشکانیان که کنفدراسیونی از حکومت‌های ملوک‌الطوایفی بوده و با هم پیوند مشترک خانوادگی داشته‌اند. با قبایلی دیگر به‌طور مشترک بر قلمروشان حکومت می‌راندند و از ریشه خانوادگی مشترکی برخوردار بودند. این باعث شده بود شمال شرق ایران که مأمّن آنان بود به‌عنوان محلی امن در ادوار مختلف حکومتی باشد. مرو، نسا و مهرداد کرت نقاط مهم استراتژیکی بوده که برای دفاع از قلمرو خودشان مورد نیاز بوده‌اند.

نسا که برای مدتی یکی از شهرهای مهم در زمان اشکانیان^{۱۲} و قبل از آنان بوده احتمالاً برای مدتی از شهرهای استان مرو بوده است و بعد از خرابی‌های پی‌درپی که بر نسا وارد شد، بازسازی شده است. این امر شاید به‌خاطر آن بوده که در این استان نقش دو گروه از سکاها را نباید نادیده گرفت، دو گروه از قبایل وحشی در همسایگی اشکانیان وجود داشته، که یکی داه‌ها و دیگری



اشکانیان بوده‌اند. سکاها که بخش دیگری از حکمرانی حکومت اشکانی را تشکیل می‌دادند دارای پیوندهای درون خانوادگی با اشکانیان بودند که خانواده اشکانیان و سکاها را تشکیل می‌دادند. پیوند برون خانوادگی آنان با داه‌ها و دیگر قبایل آسیای مرکزی بود که در زمان اختلافات یا حملات دیگر اقوام مهاجر و یا متخاصم از آنان پشتیبانی می‌کردند.

در میان منابع نوشتاری که به مرو اشاره کرده، سفرنامه مورخ چینی، هو هوان شو^{۱۳} است. وی چنین می‌نگارد که آن شهر را چینی‌ها پارت کوچک می‌نامیدند، ولی این منبع که به ذکر مرو در شرق قلمرو اشکانی در حوالی نیمه دوم قرن اول میلادی پرداخته، شاید نتوانسته بین سکاها و اشکانیان تفاوتی قایل گردد. می‌توان چنین فرض کرد که احتمالاً آنها ترکیبی از عشیره‌های مختلفی بوده‌اند که او با یک نام ذکر نموده‌اند.

در میان نوشته‌های مورخین رومی سفرنامه ایزودور خاراکسی هیچ اشاره‌ای به مرو ندارد، بدین دلیل که مسیر طی شده توسط او از مناطق مرکزی و غرب ایران بوده و از استان‌های شمال غربی و شرقی اشکانیان اطلاعاتی در دست نداشته است. بعد از او سفرنامه بطلمیوس که در آن مرو را شهری از استان نسا نام برده است، استنباط او را نمی‌توان به درستی درک کرد. شاید اینچنین بوده که ساکنین دو محل از نظر نژادی به هم شبیه بوده‌اند، ولی باید ذکر کرد هر دو شهر از نظر استراتژی به یک اندازه در مقابل قبایل وحشی برای اشکانیان مهم بوده‌اند.

بعد از مرگ مهرداد اول و اسارت دمتریوس در زمان او و با روی کار آمدن فرهاد دوم در ۱۳۰ ق.م آنتی اخوس هفتم به پشتیبانی از برادرش با متحدانش همچون باختریان علیه فرهاد دوم به جنگ پرداخت. فرهاد دوم سکاها را به یاری طلبید و مرو را تسخیر نمود، سکاها بعد از آنکه فرهاد آنتی اخوس را شکست داد و به قتل رساند به علت تأخیر فرهاد در پرداخت حقوق آنان از سربازان اسیر سلوکیه علیه سکاها یاری جست، این سربازان در میدان نبرد، به یاری سکاها پرداختند و در جنگ فرهاد و اردوان به قتل رسیدند. در این زمان آنان مرو را تسخیر نمودند و به تقلید از آخرین شاه باختر اوکراتید در آنجا سکه ضرب نمودند که با سکه‌های اصلی اوکراتید از نظر وزنی تفاوت نداشته است. شاید این ویژگی برای برقراری ثبات اقتصادی در راه تجاری بوده

است. با آنکه سکه‌های تقلیدی^{۱۴} هلیوکول در منطقه بلخ از قرن دوم میلادی ضرب می‌شده به نظر می‌رسد که بلخ و مرو در دست سکاها قرار داشته است.

سکه‌های تقلیدی اوکراتید حتی زمانی که اشکانیان مرو را در ۸۰ ق.م اشغال کرده‌اند در شمال ایران در جریان بوده است. به نظر می‌رسد در زمان مهرداد دوم^{۱۵} خانواده دیگری از سکاها به بخش جنوبی سواحل رودخانه سیحون مهاجرت کرده و سکه‌های تقلیدی اوکراتید را در میان تمدن خوارزم رواج داده‌اند.

از زمان ستورک به بعد تا زمان داریوش، شاه اشکانی، علاوه بر اینکه اشکانیان سعی در حفظ مرو داشته‌اند به بازسازی شهر جدیدی به نام مهرداد کرت نیز اقدام نموده‌اند. این حرکت نه تنها برای جلوگیری از حملات پی‌درپی سکاها و دیگر قبایل آسیای مرکزی بود، بلکه نشان‌دهنده آن است که مرو به مرور زمان از نظر استراتژیکی در نزد اشکانیان سقوط کرده و آنان سعی در بازسازی شهر مهرداد کرت در کنار مرو نموده‌اند.

مکرچی^{۱۶} معتقد است که در زمان ویم کادفیس در ادامه تسخیر مناطق مختلف، کوشانیان از سمت ماوراءالنهر با اشکانیان هم‌مرز گردیده و مرو را تسخیر نمودند. زمانی که باختریان در اثر فشار سکاها در شمال باختر ناپدید گردیدند مرو و دیگر شهرهای اطراف آن به دست قبایل سکائی افتاد که پیوند خانوادگی با اشکانیان داشته و در آنجا به نام آنان سکه ضرب می‌نمودند و در زمانی که در اثر اختلافات شاهان اشکانی علیه یکدیگر به پشتیبانی آنان سر به شورش می‌نهادند، آنان هم در این اختلافات شرکت کرده و به پشتیبانی از شاه اشکانی می‌پرداختند. در اثر این اختلافات که تقریباً از قرن اول میلادی رخ می‌داد این شهر نقش مهمی را در شرق ایران ایفا می‌نمود.

به نظر می‌رسد که اردوان سوم از خانواده گوندوفر^{۱۷}، شاه اشکانی هند بوده است و در مناطق جنوبی‌تر حکومت می‌رانده است، بعد از آنکه رومیان فشار فراوانی بر او وارد نمودند از حکومت اشکانی کناره گرفت و با سکاها که در مشرق^{۱۸} دریای مازندران بوده‌اند به زندگی پرداخت. بعدها با کمک هیرکانیا و کرمانیان حکومت خود را پس گرفت. احتمالاً در جنگ دو برادر گودرز دوم و



وردان، دومی از پشتیبانی ساکنین شمال شرقی حکومت اشکانی برخوردار بود، و وردان بعد از شکست گودرز تا آریا را فتح کرد.

بعدها شورش هیرکانیان و خارج شدن آنان از سلطه حکومت اشکانیان و همراهی آنان با کوشانیان باعث شد که بخش‌هایی از استان مرو به دست کوشانیان که ترکیبی از اقوام ایرانی و مهاجر آسیای مرکزی بودند، بیفتد. به نظر می‌رسد که این همکاری بین سوتر مگاس و هیرکانیان بود، تا کانیشکا و هاویشکا، زیرا از منابع تاریخی در این مورد اطلاعاتی به دست نیامد. به نظر می‌رسد کوشانیان را سکاها از مرو بیرون راندند.

کوشانیان به عنوان یک قدرت سیاسی در قرن اول میلادی در شمال شرقی ایران ظاهر گردیدند. آنها مرو را در تسخیر خود داشتند و سعی فراوانی نمودند که تجارت راه زمینی را از طریق ری و همدان به طرف درون قلمرو خود تغییر داده و از راه کاپیسا و راه دریائی با رومیان ارتباط تجاری برقرار نمایند.

در میان دیگر شاهان اشکانی، خسرو که در سلوکیه حکومت می‌کرد ماد و مرو را فتح نمود ولی نمی‌توان به طور دقیق اظهار داشت که مرو را از دست چه کسانی به چنگ آورده است. این تسخیر موقتی بود و از زمان خسرو به بعد بیشترین دوره مبارزات اشکانیان در مبارزه با رومیان سپری شد و بعد از آن جنگ‌های متمادی با آنان باعث به فراموشی سپرده شدن شمال شرق ایران در خاطرات سیاسی اشکانیان گردید.

مرو در برهه‌هایی از تاریخ در دست اشکانیان یا در دست حکمرانان دست‌نشانده ایشان مانند پاکور قرار می‌گرفت. به نظر راپسون^{۱۹} پاکور از سال‌های ۴۶ الی ۷۸ میلادی حکومت کرد، ولی میچینر^{۲۰} سال‌های زمان سلطنتش را بین ۱۰۰ یا ۱۱۰ الی ۱۳۵ میلادی می‌داند. کونچ^{۲۱} معتقد است که پاکور و صنوبر در مناطق مختلفی حکومت کرده‌اند و پاکور اولین شاه اشکانی بوده که مرو و هرات را تسخیر نموده است.

در قرن دوم بعد از میلاد شاه ناشناخته‌ای به تقلید از بلاش سوم در هرات از ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلادی به ضرب سکه اقدام نمود. در مرو سکه‌های تقلیدی اردوان دوم از ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلادی و

از ۱۵۰ الی ۲۰۰ میلادی همچون ضربخانه هرات سکه‌های تقلیدی بلاش سوم در جریان بوده است.

صنوبر یکی از اعضای خانواده اشکانی هند و یا اشکانیان بوده است. میچینر تاریخ حکومت او را ۱۳۵ بعد از میلاد می‌داند و سلوود دوره حکومت او را در ۵۰ الی ۶۵ میلادی اعلام می‌کند، او به مدت طولانی حاکم مرو بوده است و از آنجا سیستان را تسخیر کرده است. به نظر می‌رسد که او جانشینانی با نام خود به نام صنوبر دوم و سوم داشته است. بعد از صنوبر حاکمان دیگری هم وجود داشته که منابع تاریخی اطلاعاتی درباره آنان به ما نمی‌دهند. سمارا، شاه ناشناخته‌ای که فقط از روی سکه‌هایش او را می‌شناسیم جانشین وی گردید.

به نظر می‌رسد که استاندار اردشیر^{۲۲}، اردمیترا بوده است، اطلاع چندانی درباره او در دست نیست که آیا او از خانواده اشکانیان هند و یا استانداری بوده که از طرف اردشیر بعد از فتح قلمرو کوشان در آنجا منصوب شده است. به نظر می‌رسد با مرگ اردشیر حکومت او هم به پایان رسیده است. سکه‌های او در سیستان، افغانستان و ترکمنستان پیدا شده است. به نظر می‌رسد که او بر مرو حکمرانی می‌نموده است. لوکونین^{۲۳} او را اردشیر شاه سکستان می‌داند و در کنار دیگر استانداران اردشیر را مانند اردشیر، شاه مرو قرار می‌دهد.

مأخذ کتاب مقدمه‌ای بر سکه‌های اشکانیان^{۲۴}

شاه اشکانی	سال حکومت	ضرابخانه مرو	ضرابخانه مهردادکرت
ارشک اول	۲۳۸-۲۱۱ ق.م		۱
ارشک دوم	۲۱۱-۱۹۱ ق.م		
مهرداد اول	۱۷۱-۱۳۸ ق.م		
فرهاد دوم	۱۳۸-۱۲۷ ق.م		
اردوان اول	۱۲۷-۱۲۴ ق.م	۳	
مهرداد دوم	۱۲۳-۸۸ ق.م		



	۱	۹۵-۹۰ ق.م	گودرز اول
	۱	۹۰-۸۰ ق.م	ارد اول
۱	۱	۸۰-۷۰ ق.م	شاه ناشناخته
	۱	۷۵ ق.م	ستتورک
۶	۱	۷۰ ق.م	داریوش
۶	۲	۷۵-۵۰ ق.م	فرهاد سوم
۶	۳	۵۷-۵۴ ق.م	مهرداد سوم
۱۶	۴	۵۷-۳۸ ق.م	ارد دوم
۱۶	۲	۳۸-۲۲ ق.م	فرهاد چهارم
۶	۲		فرهادک
		۶ م	ارد سوم
		۱۲-۸ م	ونون اول
۵	۳	۳۸-۱۰ م	اردوان دوم
		۴۵-۴۰ م	وردان اول
۱	۱	۵۱-۴۰ م	گودرز دوم
		۵۱ م	ونون دوم
	۱	۷۸-۵۱ م	بلاش اول
		۵۵-۵۸ م	وردان دوم
		۸۰-۷۷ م	بلاش دوم
	۱ مسی	۱۰۵-۷۸ م	پاکور دوم
		۹۰-۸۰ م	اردوان سوم
	۱ مسی	۱۴۷-۱۰۵ م	بلاش سوم
	۱ مسی	۱۲۹-۱۰۹ م	خسرو اول

چنین می‌توان نتیجه گرفت که بعد از نیمه اول قرن اول میلادی مرو توسط جانشینان شاهان اشکانی که پیوند خانوادگی با آنان داشته‌اند همچون صنوبر و جانشینان او اداره می‌گردید و سکه‌های مسی ضرب شده در آنجا به نیابت از اشکانیان ضرب و انتشار می‌یافت و ضربخانه‌های آریا و ترانس اکسیانا از اهمیت آنچنانی هم در زمان آنان برخوردار نبوده است.

نتیجه‌گیری

بعد از آنکه مرو طی زمان در دوره تاریخی پا به عرصه وجود گذاشت نقش مهمی را در بخش شمال‌شرقی حکومت هخامنشیان ایفا نمود. در این استان بود که کورش توسط قبایل ماساگت به قتل رسید و سپس در زمان داریوش یکی از ایالت‌های شورشی علیه حکومت او بود.

در زمان شاهان باختری این شهر از مراکز مهم انتشار فرهنگ یونانی ایرانی بود و در همین مسیر بود که مسیحیت، مانوی و بوداییان توسط ایرانیان به چین پانهادند. مرو از شهرهای مهم تجاری در زمان اشکانیان و باختریان بوده و با سقوط آن شهر و تسخیر آن توسط سکاها به آرامی فرهنگ و هنر یونانی به فراموشی سپرده شد. احتمالاً از نظر استراتژی از شهرهای مهم هخامنشیان، سلوکیه و باختریان بوده‌اند و در زمان اشکانیان از شهرهای مهم اشکانیان هم محسوب می‌شد، زیرا علاوه بر سربازان اسیر شده سلوکیه در جنگ بین فرهاد دوم و آنتی‌اخوس هفتم، سربازان رومی که در جنگ ارد دوم و کراسوس به اسارت درآمده‌اند در آنجا سکنی داده شده‌اند.

اشکانیان که در ابتدا بر شهر نسا دست یافتند سعی فراوانی نمودند که مرو را که در قلمرو باختریان بود به تسخیر خود درآورند، زیرا این شهر محل تلاقی دو قدرت باختری و اشکانی بود. باختریان که این شهر را تا زمان اوکراتید حفظ نمودند با خارج شدن از این شهر و سپردن آن به اشکانیان مجبور به مهاجرت به درون افغانستان گردیدند.

از زمان اردوان دوم می‌توان این شهر را خارج از قدرت مرکزی اشکانیان قلمداد کرد، می‌توان پذیرفت که این شهر توسط یکی از اعضای خانواده سلطنتی اشکانیان کنترل می‌شده است تا به دست سکاها و کوشانیان.

ظهور کوشانیان و تغییر مسیر راه تجاری از درون ایران به طرف قندهار و راه دریایی باعث شد که اشکانیان تمام مبارزات خود را جهت اشغال بین‌النهرین و سوریه نمایند تا همچنان بتوانند تسلط خود را بر راه‌های بازرگانی حفظ کنند.



پی‌نوشت‌ها

1. Christian, David, *History of Russia, Central asia and Mongolia*, vol. 1, Inner Eurasia from prehistory to the Mongol empire, Oxford, 1998, p. 99-119.
2. Sarianidi, Victor, *Margiana and Soma and Hoama*, Electronic journal of vedic Studies, issue (may), Vol. 9, 2003.
3. Bivar, A.D.H., *Cambridge history of Iran*, Vol. 3 (1), Cambridge, 1987, p. 183.
4. Mitchiner, Michael, *Indo Greeks, Indo Scythian and Indo Parthian*, London, 1987, p. 34.
۵. خدادیان، اردشیر، سلوکیان، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۸.
6. Strabo.
7. Cyopolic.
8. Bevan, E.R., *House of Selucus*, vol. 2, london, 1904, p. 22-3.
9. Teleos.
10. Turiva.
11. Aspionus.
12. Strabon XI 7:2; XI 8:3.
13. The western region according to Hou Hanshu, translated by John E. Hill, September 2003.
14. Mitchiner, M., p. 48.
15. Op.Cit., p. 32.
16. Mukarjee, B.N., *Kushana coins of the land of the five rivers*, Calcutta, 1978, p. 80.
۱۷. اشکانیان، دیاکونف، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰.
18. Tacit, Annal, VI, 31-7.
19. Rapson, E. J., *Cambridge History of India*, Cambridge, 1922, p. 525.
20. Mitchiner, M., p. 567.
21. Kotch, H., *Hoard of Coins from Eastern Parthia*, American Numismatic Society, Numismatic Note and Monogram, no. 165, New York, p. 12.
22. Macdowell, D. W., *Dynasty of the latter Indo Parthian*, NC, 1965, p. 137-148.
23. Quoted by S.Shahbazi, *Encyclopedia Of Iranica*, Vol. 2, Routledge, 1987, p. 383-384.
24. Sellwood, D.G., *An Introduction to the Parthian Coins*, London, 1979.